

مقامات حضرت زهرا سلام الله عليها در

آیات و روایات

علیرضا احمدی

مرکز حقایق اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چکیده

در آیات، و روایات مورد قبول بین شیعه و سنی برای حضرت زهرا سلام الله علیها جایگاه های رفیعی قرار داده شده است مثل مقام اصطفاء، محوریت رضایت و غضب، بضعه بودن ایشان، مقام صدیقه بودن حضرت زهرا سلام الله علیها و مقام حضرت در قرآن نظیر سوره های دخان، قدر و کوثر که همه بیانگر افضلیت حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها بر سائر خلق است.

کلید واژه‌ها: حضرت زهرا سلام الله علیها، اصطفاء، رضایت و غضب، صدیقه، روایات، قرآن

مقدمه

مقام و عظمت حضرت زهرا سلام الله علیها آنقدر رفیع و بلند مرتبه است که کسی جز اهل بیت علیهم السلام نمی تواند از آن سخن به میان آورد. علاوه بر اینکه سخن گفتن و شنیدن یک مطلبی است و فهم و درک این مقامات مطلبی دیگر، که از اول خلقت آدم ابوالبشر تا زمان قیامت به کسی اعطا نشده و نخواهد شد. در واقع حضرت صدیقه کبری سلام الله علیها یگانه‌ی عالم است، که خداوند متعال آن بانوی بزرگ را سری از اسرار قرار داده و کسی جز اهل بیت علیهم السلام نمی تواند به این راز الهی دست پیدا کند و بفهمد. اما واقعاً و در حقیقت فاطمه سلام الله علیها چه کسی است که همه از درک و معرفت به آن بانو ناتوانند؟ چه گوهری است که ملائکه افتخار به خدمت آن بانو می کنند؟

این مقاله در صدد این است تا مقدار اندکی از مقامات حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها را بیان کند تا که به این چنین گوهر نابی که هم قرآن مدح و ثنایش را خوانده، و هم روایات فریقین به این امر معترفند؛ نمی به حضرت معرفت پیدا کنیم و برای دوستان، معرفت حاصل شود؛ و برای دشمنان، حجت تمام شود. و حقیقت مطلب به صورت خلاصه این است که حضرت صدیقه کبری سلام الله علیها حلقه‌ی اتصال بین رسالت و امامت است.

مقام حضرت زهرا سلام الله علیها در قرآن

در قرآن کریم سه سوره آمده است که حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها نقش مهمی در این سه سوره مبارکه دارند.

سوره دخان

حَمَّ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ...

حاء، میم. سوگند به کتاب روشنگر، [که] ما آن را در شبی فرخنده نازل کردیم...

طبق روایات، مقصود از ليله مبارکه حضرت زهرا سلام الله علیها است.

روایتی طولانی ذیل این آیه شریفه وارد شده است که به جهت اختصار گوشه‌ای از این روایت را که مرتبط به این بحث است را تقدیم می‌کنیم:

از امام کاظم علیه السلام نقل شده است که مردی نصرانی درباره این آیه از ایشان سؤال می‌پرسد:

فَقَالَ النَّصْرَانِي إِنِّي أَسْأَلُكَ أَصْلَحَكَ اللَّهُ قَالَ سَلْ قَالَ أَخْبَرَنِي عَنْ كِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَنَطَقَ بِهِ ثُمَّ وَصَفَهُ بِمَا وَصَفَهُ بِهِ فَقَالَ حَم. وَ الْكِتَابِ الْمُبِينِ. إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ. فِيهَا يَفْرُقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ مَا تَفْسِيرُهَا فِي الْبَاطِنِ فَقَالَ أَمَّا حَم فَهُوَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَسَلَّمَ وَ هُوَ فِي كِتَابِ هُودِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْهِ وَ هُوَ مَنْقُوصُ الْحُرُوفِ وَ أَمَّا الْكِتَابِ الْمُبِينِ فَهُوَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَمَّا اللَّيْلَةُ فَفَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَ أَمَّا قَوْلُهُ فِيهَا يَفْرُقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ يَقُولُ يُخْرِجُ مِنْهَا خَيْرٌ كَثِيرٌ فَزَجُلٌ حَكِيمٌ وَ زَجُلٌ حَكِيمٌ ...

نصرانی گفت: اصلحک الله می‌خواهم از شما سؤالی بپرسم. [حضرت موسی بن جعفر] فرمود:

بپرس. گفت: به من خبر ده از کتاب خدای تعالی که آن را بر محمد نازل کرد و بدان تکلم نمود سپس

اوصافی را برایش ذکر کرد و فرمود: ﴿حَم * وَ الْكِتَابِ الْمُبِينِ * إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ * فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ﴾ [حم، سوگند به کتاب روشن که آن را در شبی مبارک نازل کرده ایم. ما بیم دهنده ایم. در آن شب هر امر محکمی مقدر گردد] تفسیر باطنی این آیات چیست؟

حضرت فرمود: اما «حم» محمد است و آن [اسم آن حضرت] در کتابی است که بر هود نازل گشته و [این کلمه] از حروفش کاسته شده (یعنی در کتاب هود از محمد به حم تعبیر شده و دو حرف «م» و «د» آن، افتاده است) و اما «کتاب مبین» امیر مؤمنان علی و «شب مبارک» فاطمه است و اینکه فرموده است: ﴿فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ﴾ [در آن شب هر امر محکمی مقدر گردد]؛ یعنی از فاطمه خیر بسیاری بیرون آید و آن [خیر بسیار] مردی حکیم و مردی حکیم و مردی ائمه معصومین از اولاد حضرت زهرا^۲ است

آن شب مبارکی که قرآن از نزول کتاب در آن شب یاد می کند مقصود حضرت زهرا سلام الله علیها است و رجل حکیم که یکی از مصادیق آن امام زمان علیه السلام است محقق می شود.

سوره قدر

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ

ما [قرآن را] در شب قدر نازل کردیم^۳

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه مبارکه فرمودند:

اللَّيْلَةُ فَاطِمَةٌ وَ الْقَدْرُ اللَّهُ فَمَنْ عَرَفَ فَاطِمَةَ حَقَّ مَعْرِفَتِهَا فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَ إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ لِأَنَّ الْخَلْقَ فُطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا

۲. کافی ج ۱ ص ۴۷۸

۳. سوره قدر ۱

منظور از «اللیلة» در این آیه فاطمه سلام الله علیها است. و منظور از «القدر» خداوند است. بنابراین هر کس به حقیقت و آن گونه که باید، فاطمه سلام الله علیها را بشناسد، لیلة القدر را درک کرده است. و به راستی او فاطمه نامیده شده است، چون خلائق از معرفت او منقطع و عاجزند.^۴

«اللیلة» در این آیه مبارکه به حضرت صدیقه کبری سلام الله علیها تفسیر شده است.

شب قدر که شب نزول قرآن و شب تقدیر مقدرات است به حضرت زهرا سلام الله علیها نام گذاری شده است. شب قدری که قرآن از بزرگی آن شب یاد می کند و آن شب را از هزار ماه افضل و بالاتر می داند؛

به راستی فاطمه سلام الله علیها چه وجودی است که خداوند متعال شرط ورود به شب قدر و درک آن شب را معرفت به ایشان دانسته است که اگر به مقام و حقیقت ایشان معرفت پیدا کند شب قدر را فهمیده است؟!!

شاید این هم سری از اسرار است که فقط خداوند متعال و اهل بیت علیهم السلام می دانند که فهم و عقول ما عاجز از درک این مطلب است.

سوره کوثر

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوثَرَ

ما تو را [چشمه] کوثر دادیم

۴. تفسیر الفرات ص ۵۱

۵. سوره کوثر ۱

مرحوم طبرسی در ذیل این آیه می‌فرماید: هو كثرة النسل والذرية، وقد ظهر ذلك في نسله من ولد فاطمة (عليها السلام)، إذ لا ينحصر عددهم، ويتصل - بحمد الله - إلى آخر الدهر مددهم. وهذا يطابق ما ورد في سبب نزول السورة: أن العاص بن وائل السهمي سماه الأبترا لما توفي ابنه عبد الله وقالت قريش: إن محمدا صنبور فيكون تنفيسا عن النبي (صلى الله عليه وآله وسلم) ما وجدته في نفسه الكبيرة من جهة مقالهم، وهدما لمخالهم.

[منظور از کوثر] بسیاری نسل و ذریه است و این امر در نسل پیامبر صلی الله علیه و آله از اولاد فاطمه علیها السلام ظاهر شد چون تعداد آنها قابل شمارش نیست و سپاس خدا را که شمار آنها به انتهای روزگار متصل می‌شود و این تفسیر با شأن نزول سوره مطابق است چرا که عاص بن وائل سهمی پیامبر صلی الله علیه و آله را ابتر نامید هنگامی که فرزندش عبد الله وفات یافت، و قریش گفتند: محمد صلی الله علیه و آله صنبور است، بنابراین نزول این سوره به خاطر زدودن اندوهی بود که از گفتار قریش در روح و جان پیامبر تأثیر گذاشته بود و نیز برای نابود ساختن سخنان یاهو آنها بود.^۶

کوثر به معنای خیر فراوان است که خداوند متعال حضرت زهرا سلام الله علیها را به عنوان خیر فراوان به نبی اکرم صلی الله علیه و آله وسلم عطا نمود تا یاهو گوهایی که به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم جسارت می‌کردند و او را ابتر می‌نامیدند دهانشان بسته شود.

اصطفاء الهی حضرت زهرا سلام الله علیها در روایات

اصطفاء به معنای برگزیدگی و در روایات این صفت برای حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها زیاد یافت می شود که بیانگر این مطلب است که حضرت زهرا سلام الله علیها برای تحقق وعده ای بزرگ از بین همه زنان برگزیده شده است. احادیثی که به مقام اصطفاء حضرت زهرا سلام الله علیها دلالت دارند را می توان به دو بخش تقسیم کرد؛ بخشی از روایات عام است که مربوط به همه اهل بیت علیهم السلام است و برتری و اصطفاء همه آنان را نشان می دهد و بخشی دیگر، خاص است و روایاتی که به اصطفاء خود حضرت صدیقه کبری سلام الله علیها دلالت دارد که به جهت اختصار فقط چندی از روایات اصطفاء حضرت زهرا سلام الله علیها را بیان می کنیم.

واژه اصطفاء

اصطفاء از ماده «ص ف و» الصفو نقیض الکردر، و صفوة کل شیء خالصه و خیره به معنای زلال و خالص بوده^۶ هنگامی که به باب افتعال می رود، به معنای خالص گرداندن و زلال کردن می آید.

راغب واژه «ص ف و» را اینگونه معنا می کند: از ابتدا هیچ ناخالصی نداشته باشد.

اصطفاء اگر بدون لفظ «علی» به کار رود به معنای اصطفاء نفسی است و اگر با حرف «علی» متعدی شود، دلالت بر برتری فرد بر سایر افراد دارد. که درباره حضرت زهرا سلام الله علیها هر دو معنا پیدا می کند.

ثمره این مقام برای ایشان علم و عصمت است که خداوند متعال حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها را برتری بخشیده است.

اصطفاء حضرت مریم علیها السلام

وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ.

هنگامی که فرشتگان گفتند: ای مریم! قطعاً خدا تو را برگزیده و [از همه آلودگی های ظاهری و باطنی] پاک ساخته، و بر زنان جهانیان برتری داده است.^۸

این آیه مبارکه بیانگر مقام اصطفاء برای حضرت مریم علیها السلام است و دو مرتبه واژه اصطفاء را بکار برده است. اصطفاء اول به معنای برگزیدگی و در ادامه عصمت و طهارت ایشان را و اصطفاء دوم برتری ایشان را بر سایر زنان جهانیان بیان می کند.

با کمک روایات، این آیه، به حضرت زهرا سلام الله علیها ارتباط پیدا می کند؛ چرا که در روایات آمده است که ملائکه نزد حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها در رفت و آمد بودند و او را با جملات این آیه، خطاب می نمودند. این روایات حکایت از مقام اصطفاء حضرت زهرا سلام الله علیها دارند که به جهت اختصار بعضی از این روایات را ذکر می کنیم:

روایت اول: از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که ایشان فرمودند: «هر زنی در شبانه روز پنج نماز بخواند و ماه رمضان را روزه دارد و حج خانه خدا کند و زکات مالش را بپردازد و شوهرش را اطاعت کند و پس از من پیرو علی باشد به شفاعت دخترم فاطمه، به بهشت رود و او سیده زنان عالمیان است. عرض شد یا رسول الله او سیده زنان عالم خود است؟ فرمودند: ذَاكَ لِمَرْيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ فَأَمَّا ابْنَتِي فَاطِمَةُ فَهِيَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَ إِنَّهَا لَتَقُومُ فِي مَحْرَابِهَا فَيَسَلِمُ عَلَيْهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَ يَنَادُونَهَا بِمَا نَادَتْ بِهِ الْمَلَائِكَةُ مَرْيَمَ فَيَقُولُونَ يَا فَاطِمَةُ « إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ » او مریم دختر عمران بود اما دخترم

فاطمه بانوی زنان عالم است از اولین و آخرین و او است که چون در محرابش بایستد هفتاد هزار فرشته مقرب بر او سلام دهند و ندائی که به مریم کردند به او کنند و گویند ای فاطمه به راستی خدا تو را برگزید و پاک کرد و برگزید بر زنان جهانیان»^۹

روایت دوم: از امام صادق علیه السلام نقل شده که ایشان فرمودند: **إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ مُحَدَّثَةً لِأَنَّ الْمَلَائِكَةَ كَانَتْ تَهْبِطُ مِنَ السَّمَاءِ فَتُنَادِيهَا كَمَا تُنَادِي مَرْيَمَ بِنْتَ عِمْرَانَ فَتَقُولُ يَا فَاطِمَةُ اللَّهُ إِصْطَفَاكَ وَ طَهَّرَكَ وَ إِصْطَفَاكَ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ يَا فَاطِمَةُ أَفُنْتِي لِرَبِّكَ وَ أُسْجِدِي وَ إِزْكِي مَعَ الرَّاكِعِينَ فَتُحَدِّثُهُمْ وَ يَحْدِثُونَهَا فَقَالَتْ لَهُمْ ذَاتَ لَيْلَةٍ أَلَيْسَتْ الْمُفَضَّلَةُ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مَرْيَمَ بِنْتَ عِمْرَانَ فَقَالُوا إِنَّ مَرْيَمَ كَانَتْ سَيِّدَةَ نِسَاءِ عَالَمِهَا وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَكَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ عَالَمِكَ وَ عَالَمِهَا وَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ.**

فاطمه سلام الله عليها را به خاطر این محدثه نامیدند که فرشتگان از آسمان فرود می آمدند و آن حضرت را می خواندند همان طوری که مریم دختر عمران را صدا می زدند، باری فرشتگان می گفتند: ای فاطمه خدا تو را برگزید و پاکیزه ات نمود و بر تمام زنان عالم اختیارت کرد، ای فاطمه پروردگارت را بخوان و سجده اش نما و با رکوع کنندگان رکوع کن و بدین ترتیب حضرتش با آنها سخن می گفت و آنها نیز با جنابش حدیث و سخن می گفتند، شبی فاطمه سلام الله عليها به فرشتگان فرمود: مگر مریم بنت عمران بر تمام زنان عالم برتری ندارد؟ فرشتگان عرضه داشتند: مریم بانو و سرور زنان عالم خودش بود و خداوند عز و جل تو را بانو و سرور زنان عالم خودت و عالم مریم قرار داده و بدین ترتیب تو سرور تمام زنان عالم هستی از اولین تا آخرین»^{۱۰}

۹. امالی صدوق ص ۴۸۶

۱۰. علل الشرایع ج ۱ ص ۱۸۲

این روایات خود دارای مضامین رفیعی است که فرشتگان از سوی خداوند متعال، حضرت زهرا سلام الله علیها را مخاطب آیه اصطفاء قرار داده اند .

باید توجه داشت که آن کدام ویژگی خاصی است که در وجود نورانی حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها بوده است که صاحب مقام اصطفاء شده اند؟

روایتی از امام کاظم علیه السلام نقل شده که فرمودند: خداوند متعال فاطمه سلام الله علیها را برگزید و او را پاک کرد و بر زنان جهانیان برتری داد بواسطه حسن و حسین علیهما السلام دو سید جوانان بهشتی.^{۱۱}

حضرت زهرا سلام الله علیها محور رضایت و غضب خداوند متعال

در کتب شیعه و اهل تسنن، حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که فرمودند:

انَّ اللهَ عَزَّوَجَلَّ لَيَغْضِبُ لِعْضِبِ فَاطِمَةَ وَ يَرْضَى لِرِضَاهَا^{۱۲}

بررسی سند

کسی نمی تواند در صحت این حدیث چه در کتب عامه و چه خاصه تشکیک کند

حاکم نیشابوری وقتی این حدیث را روایت می کند می گوید: سند این حدیث صحیح است.^{۱۳}

و هیشمی هم در مجمع الزوائد این حدیث را نقل کرده و می گوید: سند این حدیث حسن است.^{۱۴}

۱۱. تحف العقول ص ۴۰۵

۱۲. بحار الانوار ج ۴۳ ص ۲۰ / عیون اخبار الرضا علیه السلام ج ۲ ص ۴۶ / المستدرک علی الصحیحین ج ۳ ص ۱۵۴ / تاریخ مدینه دمشق، ج ۳ ص ۱۵۶ /

الإصابه ج ۸ ص ۶۶

۱۳. المستدرک علی الصحیحین ج ۳ ص ۱۵۴

۱۴. مجمع الزوائد ج ۹ ص ۲۰۳

با توجه با اینکه سند حدیث صحیح و حسن است دیگر جای شبهه افکنی اشخاصی مثل ابن تیمیه ناصبی و مبغض اهل بیت علیهم السلام نیست که سند حدیث را دروغ پندارد.

بررسی محتوا

این حدیث شریف محور غضب و رضایت الهی را حضرت صدیقه کبری سلام الله علیها می داند یعنی اگر حضرت زهرا سلام الله علیها از کسی راضی باشد خداوند متعال هم از او راضی است و اگر غضبناک باشد خداوند هم از او خشمگین است.

با توجه به این مطلب که محور حضرت زهرا سلام الله علیها است پس کسانی که به ملاقات حضرت آمدند ولی صدیقه طاهره سلام الله علیها به آنها توجهی نفرمود مورد غضب ایشان و در نتیجه مورد غضب الهی هستند.

در روایت دیگری که در کتب معتبر اهل تسنن آمده و به آن معترف هستند این است که، حضرت زهرا سلام الله علیها درحالیکه از ابوبکر و عمر غضبناک بودند، از دنیا رفتند.

در روایت ابن قتیبه آمده است: هنگامی که آن دو (ابوبکر و عمر) برای عیادت آمدند، فاطمه زهرا سلام الله علیها اجازه ورود ندادند و ناچار شدند به امیرالمؤمنین علی علیه السلام متوسل شوند که آن حضرت وساطت نمایند، در پاسخ حضرت صدیقه سلام الله علیها به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: البیت بیتک. یعنی علی جان! خانه خانه تو است، تو مختاری هر کسی را که دوست داری اجازه ورود بدهی. امیرالمؤمنین علیه السلام برای اتمام حجت و این که آن دو بعداً بهانه نیاورند که ما می خواستیم از فاطمه رضایت بگیریم؛ ولی علی نگذاشت، به آن دو اجازه ورود دادند. هنگامی که آن دو عذرخواهی کردند، صدیقه طاهره نپذیرفت؛ بلکه از آنها این چنین اعتراف گرفت: نشدتکما الله ألم

تسمعا رسول الله يقول «رضا فاطمة من رضای و سخط فاطمة من سخطی فمن أحب فاطمة ابنتی فقد أحبني ومن أَرْضی فاطمة فقد أَرْضاني ومن أسخط فاطمة فقد أسخطني»

شما را به خدا سوگند می‌دهم آیا شما دو نفر از رسول خدا نشنیدید که فرمود: خوشنودی فاطمه خوشنودی من، و ناراحتی او ناراحتی من است. هر کس دخترم فاطمه را دوست بدارد و احترام کند مرا دوست داشته و احترام کرده است و هر کس فاطمه را خوشنود نماید مرا خوشنود کرده است و هر کس فاطمه را ناراحت کند مرا ناراحت کرده است؟

هر دو اعتراف نمودند: نعم سمعناه من رسول الله صلی الله علیه وسلم. آری ما از رسول خدا اینگونه شنیده ایم.

سپس صدیقه طاهره سلام الله علیها فرمودند: فإني أشهد الله وملائكته أنكما أسخطتاني وما أرضيتاني ولئن لقيت النبي لأشكونكما إليه.

پس من خدا و فرشتگان را شاهد می‌گیرم که شما دو نفر مرا اذیت و ناراحت کرده اید و در ملاقات با پدرم از شما دو نفر شکایت خواهم کرد. به این نیز بسنده نکرده و فرمودند: والله لأدعون الله عليك في كل صلاة أصليها. به خدا قسم پس از هر نماز بر شما نفرین خواهم کرد.^{۱۰}

جان مطلب اینجا است اگر حضرت زهرا سلام الله علیها از آن دو خشمگین و ناراضی بودند پس چگونه می‌توان به خلافتی مشروعیت بخشید که محور رضایت و غضب (حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها) از صاحبان آن ناراضی بودند؟

این روایت شریف دو مطلب مهم را به اثبات می‌رساند.

۱. عصمت مطلقه حضرت زهرا سلام الله علیها؛ چون رضایت و غضب حضرت زهرا سلام الله

علیها در پی رضایت و غضب خداوند معرفی شد.

۲. اصطفاء حضرت زهرا سلام الله علیها؛ که مافوق عصمت است.

با توجه به اینکه این حدیث عصمت ایشان را اثبات می‌کند، به یقین اصطفاء را نیز به دنبال دارد؛ زیرا عصمت، قرین با اصطفاء است.

حدیث بضعه بودن حضرت زهرا سلام الله علیها از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم

در روایات فریقین آمده که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «فاطمة بضعة منی...»^{۱۶}

• طبق این حدیث که تواتر آن ثابت نیز شده است، حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها پاره ای از وجود رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم است؛ نه فقط پاره ای از بدنش که همان جسمانیت ظاهر است چون اگر بگوییم مقصود فقط همان جسم (گوشت و خون و استخوان) باشد این خلاف عقل است چون طبیعتاً حضرت زهرا سلام الله علیها دختر نبی اکرم صلی الله علیه و آله وسلم است و جسم ظاهری مشخص است و رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم حکیم است و سخن بیهوده نمی‌فرمایند، بلکه مقصود جزئی از وجود حقیقی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم بغیر از رسالت و نبوت است که همان علم، عصمت، اصطفاء و افضلیت رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم است و برای صدیقه طاهره سلام الله علیها هم ثابت است.

• پس همانطور که رسول خدا از مقام اصطفاء برخوردار است حضرت زهرا سلام الله علیها هم برخوردار است.

۱۶. کتاب سلیم بن قیس ج ۲ ص ۸۶۹ / امالی صدوق ص ۱۰۴ و ۱۱۴ و ۴۸۷ / صحیح بخاری ج ۴ ص ۲۱۰ و ۲۱۲ و ۲۱۹ / صحیح مسلم ج ۷ ص ۱۴۱ / صحیح

ترمذی ج ۵ ص ۳۶۰

صدیقه بودن حضرت زهرا سلام الله علیها

قرآن درباره حضرت عیسی علی نبینا و آله و علیه السلام می فرماید:

مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ كَانَا يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ ۗ انظُرْ كَيْفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ الْآيَاتِ ثُمَّ انظُرْ أَنَّى يُؤْفَكُونَ.

مسیح، فرزند مریم جز فرستاده ای [از سوی خدا] نیست که پیش از او هم فرستادگانی گذشته اند. و مادرش زن بسیار راستگو [و درست کاری] بود. هر دو [مانند انسان های دیگر] غذا می خوردند. با تأمل بنگر چگونه نشانه ها را برای آنان بیان می کنیم [تا بدانند متولد شدگان و نیازمندان به خوراک، خدا نیستند]؛ سپس با تأمل بنگر که آنان چگونه [از حق به باطل] منحرف می شوند؟!^{۱۷}

یکی از صفات و مقاماتی که خداوند متعال برای حضرت مریم علیها السلام بیان می کند صدیقه بودن ایشان است که خود صدیقه یکی از لوازم مقام اصطفاء است که چون حضرت مریم علیها السلام صدیقه بودند بر همه برتری داده شد در روایات ما این مقام به حضرت زهرا سلام الله علیها عطاء شده است. قبل از ورود به روایات مربوط به این مقام واژه صدیقه را معنا کنیم که اولاً مفهوم صدیقه چیست؟ و ثانیاً چه کسانی از مصادیق این مقام هستند.

بیان مقام صدیقه

واژه صدیقه از ماده «ص د ق» اشتقاق پیدا کرده است که به معنای راست گفتن است و صدیقه صیغه مبالغه است که دلالت می کند بر کسی که زیاد راستگو است و عمل و گفتارش یکی است و یک مرتبه

هم دروغ نگفته است و به زن بسیار راستگو صدیقه می گویند و مذکر این صیغه، صدیق است یعنی مردی که بسیار راستگو است، و یکی از لوازم عصمت است.

روایات صدیقه بودن حضرت زهرا سلام الله علیها

روایت اول؛ امام صادق علیه السلام به ابو صیر فرمودند: إِنَّ اللَّهَ (تَعَالَى) أَمَّهَرَ فَاطِمَةَ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) رُبْعَ الدُّنْيَا، فَرُبِعُهَا لَهَا، وَ أَمَّهَرَهَا الْجَنَّةَ وَ النَّارَ ، تُدْخِلُ أَعْدَاءَهَا النَّارَ ، وَ تُدْخِلُ أَوْلِيَاءَهَا الْجَنَّةَ ، وَ هِيَ الصِّدِّيقَةُ الْكُبْرَى، وَ عَلَى مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ الْقُرُونُ الْأُولَى.

خداوند متعال یک چهارم دنیا را مهریه فاطمه علیها السلام قرار داد پس یک چهارم دنیا برای اوست و بهشت و جهنم را [هم] مهریه او قرار داد، دشمنانش را وارد آتش می کند و دوست دارانش را وارد بر بهشت می نماید و او صدیقه کبری [بزرگترین درستکار] است و سده های نخستین بر شناخت او گذشت.^{۱۸}

در این حدیث شریف حضرت یک صفت دیگر هم به صدیقه اضافه کردند و آن هم صفت کبری است که به معنای بزرگتر است. شاید حضرت با بیان صفت کبری برای صدیقه قصدشان این است که بفرمایند درست است حضرت مریم علیها السلام هم صدیقه است ولی حضرت زهرا سلام الله علیها از او برتر است که با لقب صدیقه کبری نام می برند.

روایت دوم؛ از امام صادق علیه السلام منقول است:

قُلْتُ لِإِبْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ جُعِلْتُ فِدَاكَ مَنْ عَسَلَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ قَالَ «ذَاكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ» قَالَ فَكَأَنِّي اسْتَعْظَمْتُ ذَلِكَ مِنْ قَوْلِهِ قَالَ «فَكَأَنَّكَ ضِغْتٌ بِمَا أَخْبَرْتُكَ بِهِ» قُلْتُ فَقَدْ

كَانَ ذَلِكَ جُعْلُ فِدَاكَ قَالَ «لَا تَضِيقَنَّ فَإِنَّهَا صَدِيقَةٌ لَمْ يَكُنْ يَغْسِلُهَا إِلَّا صَدِيقٌ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يَغْسِلُهَا إِلَّا عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ»

مفضل گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: چه کسی فاطمه سلام الله علیها را غسل داد؟ فرمود: امیرالمؤمنین! من این مطلب را از گفته آن حضرت بزرگ شمردم و تعجب کردم؛ فرمودند: گویا از آنچه به تو خبر دادم دلتنگ شدی؟ عرض کردم: چنین است، قربانت گردم. فرمودند: دلتنگ مباش، زیرا او صدیقه است و جز صدیق نباید او را غسل دهد، مگر نمی دانی که مریم را جز عیسی غسل نداد؟^{۱۹}

که در این روایت صدیق بودن امیرالمؤمنین علیه السلام را نیز بیان می کند.

روایت سوم؛ امام کاظم علیه السلام درباره مادر بزرگوارشان حضرت زهرا سلام الله علیها می فرمایند:
إِنَّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ صَدِيقَةٌ شَهِيدَةٌ...

همانا فاطمه علیها السلام صدیقه ایست که به شهادت رسید^{۲۰}

در این حدیث، امام کاظم علیه السلام اول بیان می کنند که حضرت زهرا سلام الله علیها از مقام صدیقه برخوردار است و دوم بیان شهادت ایشان است که به مرگ طبیعی از دنیا نرفته اند.

۱۹. تهذیب الاحکام ج ۱ ص ۴۴۰

۲۰. الوافی ج ۳ ص ۷۴۵

نتیجه گیری

بر اساس مفاد آیات و روایاتی که مورد قبول فریقین است، حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها دارای مقامات و منزلت‌هایی است از جمله آن‌ها مقام اصطفاء که علم، عصمت، وحجیت و افضلیت بر مردم را به دنبال خواهد داشت.

بنابراین اهل تسنن باید این مقامات را برای حضرت زهرا سلام الله علیها بپذیرند، که لازمه پذیرش این مقامات اطاعت و عدم سرپیچی از ایشان است. چرا که محور رضایت و غضب خداوند حضرت صدیقه کبری سلام الله علیها است که عامه نیز این حدیث را نقل کردند و حجت بر همه تمام است. که برای شیعه معرفت به حضرت صدیقه، و برای اهل تسنن اطاعت از ایشان، ضروری است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم
- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، مؤسسة الوفاء، چاپ دوم بیروت ۱۴۰۴ق.
- عیون اخبار الرضا علیه السلام، تصحیح سید مهدی حسینی لاجوردی، انتشارات جهان، تهران ۱۳۷۸ق.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق یوسف عبدالرحمن مرعشلی، دار المعرفة، بیروت.
- ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینه دمشق، تحقیق علی شیری، دارالفکر، بیروت ۱۴۱۵ق.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الإصابة فی تفسیر الصحابة، تحقیق شیخ عادل احمد عبدالموجود و شیخ علی محمد معوض، دارالکتب العلمیة، چاپ اول بیروت ۱۴۱۵ق.
- هیشمی، نورالدین ابوبکر، مجمع الزوائد، دارالکتب، بیروت ۱۴۰۸ق.
- ابن قتیبه، ابو محمد عبدالله بن مسلم دینوری، الامامة والسیاسة معروف بتاریخ الخلفاء، تحقیق علی شیری، دارالاضواء، بیروت، چاپ اول ۱۴۱۰ق.
- هلالی کوفی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس، تحقیق محمد باقر انصاری زنجانی، الهادی، قم، چاپ اول ۱۴۱۵ق.
- صدوق، محمد بن علی، الامالی، ترجمه آیت الله کمره ای، چاپ چهارم، کتابخانه اسلامیة، تهران، ۱۳۶۲ق.
- بخاری، محمد ابن اسماعیل، صحیح البخاری، دارالفکر، استانبول، ۱۴۰۱ق

- ترمذی، محمد بن عیسیٰ، سنن الترمذی، تحقیق عبدالوہاب عبداللطیف، دارالفکر، بیروت، چاپ دوم ۱۴۰۳ق.
- نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، دارالفکر، بیروت
- صدوق، محمد بن علی، علل الشرائع، مكتبة الداوری، قم.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول، تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ دوم، مؤسسه انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۰۴ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، چاپ دوم، هجرت، قم.
- ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، الامالی، تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیة، مؤسسة البعثة.
- ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، تہذیب الاحکام، تحقیق و تعلیق سید حسن موسوی خراسان، دارالکتب الاسلامیة، تهران بازار سلطانی، چاپ سوم.
- محمد محسن فیض کاشانی، الوافی، منشورات مكتبة امام امیرالمؤمنین عامہ اصفہان، تحقیق ضیاءالدین حسینی اصفہانی، چاپ اول ۱۴۰۶ق.
- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیہ آخوندی، چاپ سوم ۱۳۸۸ق.
- فرات بن ابراہیم کوفی، تفسیر فرات کوفی، تحقیق محم کاظم، مؤسسة الطبع والنشر التابعة لوزارة الثقافة و ارشاد الاسلامی، طهران، چاپ یکم، ۱۴۱۰ق.
- شیخ آبی علی الفضل بن الحسن طبرسی، تفسیر جوامع الجامع، تحقیق مؤسسة نشر اسلامی، چاپ اول ۱۴۱۸ق.